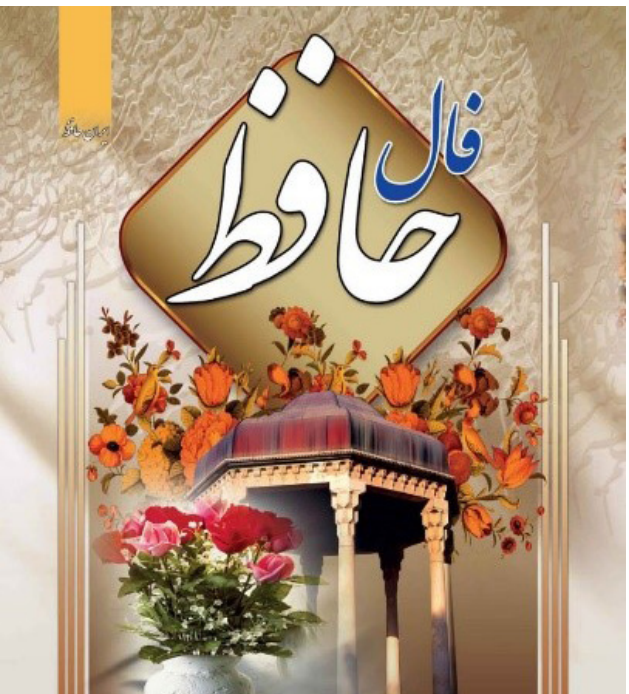




## امروز شما



**فروردین**

زندگی تو پر از پیروزی و موفقیت می‌شود، به قدری نعمت تو زیاد می‌شود که دیگر از همه چیز بی‌نیاز می‌شوی. خیرهای خوشی به دست می‌رسد و آسوده‌خاطر باش.

**مهر**

شما خیلی تنها هستید و تنهایی تان بیش از حد شده، شما همیشه جوان باقی نمی‌مانید در روزگار کهولت نیازمند به همدم و مونس هستید پس سعی کنید تا وقت باقیست فکری بکنید.

**اردیبهشت**

به حرف آدم‌های فضول گوش مده و در فکر کار خودت باش، به راحت ادامه بده که موفقیت‌های بسیاری در انتظار توست.

**آبان**

خیلی سختی کشیده‌ای و ناملایمات زیادی دیده‌ای، ولی ناامید نشو و بدان که زندگی برای هر کس به گونه‌ای سخت است.

**خرداد**

دل و دین داده‌اید، با حسن نیت و قلب پاک آنچه در وجودتان است در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم کرده‌اید این پاک‌دلی و بی‌آلایشی بالاخره کارساز می‌شود.

**آذر**

به هر کس خوبی کردی بدی دیدی، دست به هر کاری می‌زنی نتیجه خوبی نمی‌بینی، هیچ کس نمی‌داند چه حکمتی در کار است.

**دی**

دست به کار زده‌اید که سود و زیان آن مشخص نیست ولی آن را ادامه دهید و تلاش کنید تا کار مفیدی انجام دهید.

**بهمن**

اگر دل‌سرد نشوی و دوباره شروع کنی هر چند که دیگر آن موقعیت اول را نداری ولی باز مطمئن باش که به خوشبختی می‌رسی.

**اسفند**

مال‌اندوز و مردم‌آزار باش. به فکر زندگی و لذت‌های آن باش، آفتدر تلاش کن که سعادتمند و راحت زندگی کنی، مال زیاد به درد نمی‌خورد و گنج قارون هم به مرور زمان بریاد رفته و نابود می‌شود.

**دی**

دلی پاک و قلبی پاکتر داری ولی مردم از آن بی‌خبرند و شما را به خوبی نمی‌شناسند و این باعث ناراحتی شما می‌شود و شما با کوشش و مدارا موفق می‌شوی.

## از قهرمانی تا چوپانی

قصه تلخ زندگی قهرمان کشتی فرنگی آسیا و برنز جهان



دارنده نشان طلا و برنز کشتی فرنگی نوجوانان در رقابت‌های آسیا و جهان می‌گوید: پدرش جانباز بوده و فوت کرده و مجبور است که چوپانی کند.

به گزارش اقتصادنیوز، محمد محرابی گفت: متأسفانه پس از رقابت‌های کشتی قهرمانی نوجوانان جهان و بازگشت به زادگاهم پل دختر برخی بی‌مهری‌ها از سوی مسئولان ورزشی شهر و استانم موجب شد تا به کوچ اجباری تن دهم و برای دستیابی به اهداف ورزشی‌ام راهی استان البرز شوم.

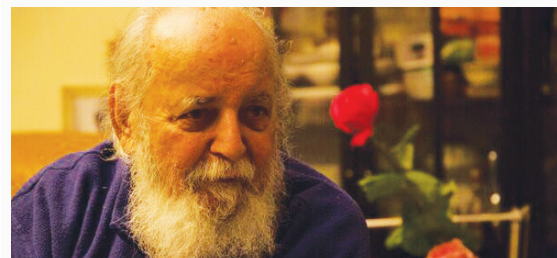
او ادامه داد: در آخرین رویداد ورزشی پیش از شیوع ویروس کرونا نتوانستم در رقابت‌های انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی امید به عنوان نخست دست یابم، اما با بدشانسی تمام و باخت در پیکارهای انتخابی درون اردویی نتوانستم راهی مسابقات جهانی زیر ۲۳ سال شوم. هرچند که می‌دانم با این شرایط اگر امروز مدال امیدهای جهان را نیز داشتم نمی‌توانست ذره‌ای به رفع مشکلات و گرفتاری‌هایم کمک کند.

محرابی با اشاره به وقوع سیل فروردین ۹۸ در پل دختر خاطرنشان کرد: پدرم از جانبازان جنگ تحمیلی بود و سال‌ها قبل فوت شد و تنها دارایی ما یک خانه در پل دختر نیز در سیل به صورت صد درصد تخریب و توفیق اجباری شامل حال شد و بار دیگر راهی شهرم شدم تا بتوانم در عملیات ساخت و ساز کمک حال خانواده باشم و حداقل پول کمتری را به کارگر بدهیم.

قهرمان جام یادگار امام افزود: یک سالی می‌شود که از سر اجبار و تأمین بخشی از نیازهای زندگی در کنار تحصیل در دانشگاه مجبورم

همزمان با ۹۴ سالگی شاعر؛

## آلبوم «تا صبح شب یلدا» با شعر خوانی «سایه» شنیدنی شد



همزمان با نود و چهارمین سالروز تولد امیر هوشنگ ابتهاج آلبوم «تا صبح شب یلدا» با شعر خوانی این شاعر و آثار آهنگسازان برگزیده موسیقی کلاسیک دنیا پیش روی مخاطبان قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار مهر، همزمان با نود و چهارمین سالروز تولد امیر هوشنگ ابتهاج شاعر و پژوهشگر پیشگام زبان و ادبیات فارسی آلبوم «تا صبح شب یلدا» با شعر خوانی این شاعر روی موسیقی آهنگسازان برگزیده موسیقی کلاسیک دنیا، توسط کانون فرهنگی هنری «تی داوود» منتشر شد.

در این آلبوم که علاوه بر نسخه دیجیتالی به صورت فیزیکی در قالب دو آلبوم منتشر شده، تعدادی از آثار منتخب امیر هوشنگ ابتهاج با صدای او و موسیقی تعدادی از آهنگسازان مهم و تأثیرگذار موسیقی کلاسیک دنیا برای شنوندگان ارائه شده است.

«کاروان» با موسیقی «سمنونی شماره ۲، مومنان اول» اثر آرام خاچاطوریان، «برای روزنبرگ‌ها» با موسیقی «ورتوراگمنت» اثر بتهوون، «زمین» با موسیقی «سمنونی شماره ۳۹، مومنان اول» اثر موتزارت، «بازگشت» اثر موسیقی «سرناژ ۸.۰p مومنان سوم» اثر بتهوون، «شب گیز» روی موسیقی «ترپیل کنسرتو، مومنان اول» اثر بتهوون، «ای فردا» روی سمنونی شماره ۸، مومنان اول اثر بتهوون، «برسواد سنگفرش راه» روی سمنونی شماره ۵، مومنان اول اثر ماهلر، «مرگ دیگر» روی سمنونی شماره ۴، مومنان اول اثر بتهوون، «شاد باش» روی موسیقی «رقص گل» اثر چایکوفسکی بخشی از مجموعه «تا صبح شب یلدا» را تشکیل می‌دهند. در بخش دیگری از این آلبوم نیز قطعات «بوسه» روی آدازیو (کول نیدری) اثر ماکس بروخ، «تشویش» روی کنسرتو ویولن، مومنان دوم اثر بتهوون، «مرثیه جنگل» با موسیقی سمنونی «فانتاستیک- مومنان اول» اثر برلیوز، «پردگی» با موسیقی سمنونی فانتاستیک، مومنان سوم اثر برلیوز، «پرنده می‌داند»

## دیده شدن دی کاپریو در قبایل سرخ پوستی

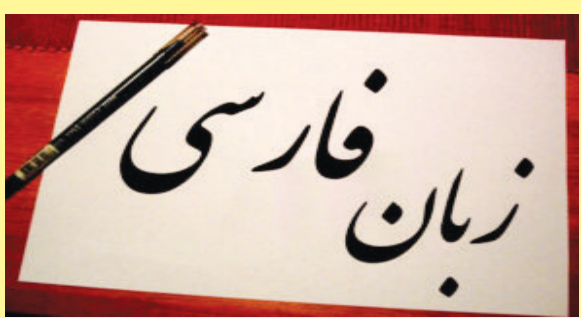


به گزارش تازه نیوز، لئوناردو دی کاپریو برای اینکه بهتر بتواند فضای فیلم «قاتلان ماه کامل» و نقش خود، آنرست برکهارت را در فیلم جدید مارتین اسکورسیزی درک کند، با رهبران فرهنگی قبیله بومی اوسج دیدار کرد.

این روزها مارتین اسکورسیزی و دی کاپریو در اوکلاهما هستند و مراحل پیش تولید «قاتلان ماه کامل» را طی می‌کنند.

## خوانندگی

فعل‌هایی که دارند فراموش می‌شوند!



«پای صحبت» های قدیمی‌ها که بنشینید خاطرات خود را «مو» به «مو» بازگو می‌کنند و از روزهایی می‌گویند که «چشم و رویی داشته‌اند» و چندان هم «سر به راه نبودند» و گاه منظورشان را با کنار هم گذاشتن کلمات «پیش پا افتاده» بیان سنی‌کننده ترکیباتی که شاید کمتر این روزها در مکالمات مردم شنیده شود.

به گزارش ایسنا، قاسم هاشمی‌نژاد در بخشی از پیشگفتار کتاب «یوب» که در نشر هرمس منتشر شده، نوشته است: یکی از خصایص کم و بیش از یاد رفته زبان فارسی در ترکیبات فعلی آن متجلی می‌شد. این ترکیبات فعلی اغلب به کمک عناصر مادی و ملموس ساخته می‌شد و این عناصر هر قدر به حیات انسانی و کارورزی او نزدیک بهتر؛ در نتیجه اعضای بدن و اندامی که کاربرد بیشتری داشتند (مثل دست و پا و سر و چشم) و ابزار و مصالحی که در زندگی روزمره کارایی بیشتری داشتند (مثل تبر و تیره و تیشه و تیغ) و عناصر طبیعت که انسان‌ها با آن سر و کار داشتند (آب و باد و خاک و آتش) و جانوران وحشی و اهلی که همبازی و زمینی او بودند (مانند شیر و گور و گوسفند و مرغ) در ساخته شدن این ترکیبات دخالت بیشتری داشتند.

این، البته، در شکل‌گیری تمامی زبان‌ها مؤثر بوده، اما در زبان فارسی بخشی جدایی‌ناپذیر از عیار آن را می‌ساخته است. یک مثال سرسستی از «شاهنامه» فردوسی می‌آورد تا حرفم را روشن کرده باشم... «فریدون برآشت و بگشاد گوش / ز گفتار مادر برآمد به جوش / دلش گشت پردرد و سر پر ز کین / به ابرو ز خشم اندر آور چین / چنین داد پاسخ به مادر که شیر / نگرودد مگر به آزمایش دلیر / کنون کردنی کرد جادو پرست / مرا برد باید به شمشیر دست / بیوم به فرمان یزدان پاک / بر آرم ز آیوان ضحاک خاک» می‌بینید تقریباً تمام افعال به کار رفته ترکیبی است و با عوامل و عناصر مادی و ملموس ساخته شده است: گوش گشاد کردن، دل پر درد گشتن، سر پر ز کین گشتن، به ابرو ز خشم چین اندر آوردن. حتی در آنجا که به ظاهر نشانی از عنصر محسوس نیست، آنچه به ذهن متبادر می‌شود محسوس است. مثل «به جوش برآمدن» که از صفت راست آب، وقتی که گرما ببیند، گرفته شده است. یا حتی اگر بخواهیم باریک نظری به خرج دهیم و مته به خشخاش بگذاریم، می‌توانیم در ریشه پوییدن دقیق بشویم که از واژه «پا» درست شده است. به مرور، هر قدر که ما از سرچشمه زبان فارسی دور شدیم، از این جوهر هم دور افتادیم. مثلاً به جای «کردن نهادن» گفتیم اطاعت کردیم، به جای «چشم به راه بودن» گفتیم منتظر بودن و جای «دستگیری» گفتیم امداد و جای «چشم‌پوشی» نام بردیم و جذابیت زبان فارسی از آن می‌آید سبب محسوس شدن زبان و تصویری شدن آن می‌شود. به یمن این ویژگی، زبان فارسی در عیار خود، هم چشیدنی است، هم شنیدنی و دیدنی، هم بوییدنی است و هم بسودنی. این آن گوهر گرانبهایی بود که ما کم و بیش از دست داده‌ایم.

صفحه‌ای با عنوان یکان یکان درباره عیار فارسی و ترکیب‌های فعلی که در حال فراموشی هستند می‌گوید و برخی از این ترکیب‌ها را ارائه می‌کند.

در ادامه مروری داریم بر برخی از ترکیب‌های فعلی که با اعضای صورت ساخته می‌شوند.

ترکیب‌های فعلی که با «سر» ساخته می‌شوند: سر از نشناختن، سر به تن کسی نبودن، سر به زیر داشتن، سر به سر کسی گذاشتن، سر خارانیدن، سر کسی باد داشتن، سر کسی برای چیزی درد کردن، سر کسی به آخر بودن، سر کسی به تن او ارزیدن، سر کسی به تن او سنگینی کردن، سر کسی به سنگ خوردن، سر کسی بی‌کلاه ماندن، سر کسی سوت کشیدن، سر کسی را خوردن، سر کسی را زیر آب کردن، سر کسی را شیریه مالیدن، سر و گوش آب دادن، سر از چیزی درآوردن، سر از لاک درآوردن، سر باز زدن، سر برآوردن، سر به فلک کشیدن، سر به تو داشتن، سر را زمین گذاشتن، سرپیچی کردن، سر خم کردن، سر خوردن، سر دواندن، سر سالم به گور بردن، سر سپردن، سر کسی که چیزی گرم بودن، سر کسی خالی کردن، سر کسی خراب شدن، سر میانی سرها در آوردن، کسی را از سر خود باز کردن، از سر گذاراندن، از سر و کول هم بالا رفتن، با سر رفتن، به سر کسی زدن، توی سر چیزی زدن، توی سر کسی زدن، جایی را روی سر گذاشتن، در سر داشتن، زیر سر کسی بلند شدن، سر را به باد دادن، کسی را روی سر گذاشتن، زیر سر کسی بودن، کسی را زیر سر گذاشتن، سر به راه بودن و سرسری رد شدن.

ترکیب‌های فعلی با «مو»: مو از کف دست کشیدن، مو را از ماست کشیدن، مو به تن کسی راست کشیدن، مو را در آسیاب سفید نکردن، مو ریختن از کسی، مو لای درز چیزی نرفتن، مو زدن با کسی، موی دماغ کسی شدن، موی کسی را آتش زدن، به موی بند بودن، زبان کسی مو درآوردن، یک مو از تن کسی به تن کسی دیگری بودن، یک تار مو از سر کسی کم شدن، موی سیل گرو گذاشتن، مو به مو گفتن، یک مو از خرس جای «چشم به راه بودن» گفتیم

## عکس‌های روز:



آسبادهای تاریخی نشتیفان خراسان

## شهروند عکاس

عکس‌های حرفه‌ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع

toloudaily@gmail.com ارسال

کنید تا در روزنامه درج گردد